**نام کارگروه:** توسعۀ مدل سپهر

**رئیس کارگروه:** عبدالرحیم کرکه­­آبادی

**تاریخ:** 18/3/1389

**تهیه‌کننده:** علی آزادیان

**همکاران(اعضای کارگروه):** محمد خیابانی، عبدالرسول شریفی، کاوش کامرانی، ریبوار کاووسی، عبدالرحیم کرکه­آبادی، امین موسوی

**عنوان: تأثیر تکنولوژی بر فرهنگ**

**عنوان فرعی:** مؤلفه‌های شش‌گانۀ فرهنگ

**موضوع:** تکنولوژی

**کلیدواژه:** تکنولوژی، فرهنگ و انرژی

**منبع(با ذکر نوع مدرک)[[1]](#footnote-1):** در پایان اشاره شده است**.**

**یادداشت:**

**چکیده:** در اين جستار كوتاه، مفهوم تکنولوژی به‌عنوان اولین مؤلفه از شش مؤلفۀ اصلی فرهنگ انتخاب شده است و با استفاده از آرا و نظريه‌هاي رشتۀ انسان‌شناسی سعی شده است تعريف و ويژگي‌هاي منفي و مثبت آن، كاربرد آن در فرهنگ و تمدن، و همچنين ارتباط آن با رشتۀ انسان‌شناسي مورد تحقيق و مطالعه قرار گیرد.

**متن مقاله:**

در انسان‌شناسی، تعریف ادوارد تایلور[[2]](#footnote-2)(1832-1917) از فرهنگ به‌مثابه فصل‌الخطاب انسان‌شناسان در حوزۀ تعریف فرهنگ محسوب می‌شود و تمام ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگ را پوشش می‌دهد. «فرهنگ مجموعۀ پیچیده‌ای شامل شناخت، باورها، ارزش‌ها، هنجارها، هنر، اخلاقیات، قانون، رسوم، رفتارها و هرگونه قابلیت و عاداتی که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه کسب کرده است و به عبارت دیگر، جنبۀ مادی و معنوی فرهنگ را شامل می‌شود». (فکوهی: 131، 1381)

در بسیاری از فرهنگ‌ها بخش معنوی را فرهنگ و بخش مادی را تمدن[[3]](#footnote-3) می‌نامند و در برخی کشورها در تعاریفی که از این واژه ارائه می‌کنند، هر دو را معادل فرهنگ می‌گیرند. به‌طور کل، می‌توان گفت که اندیشه، شناخت، هنر، علوم، ادیان و... حوزۀ معنوی، تبلور و جلوه‌های شکل‌یافتۀ دانش‌های گوناگون که از نسلی به نسل دیگر منتقل و پویا هستند (دو ویژگی عمدۀ فرهنگ)، حوزۀ مادی نامیده می‌شوند. انسان‌شناسان امروزی هر دو بخش را تفکیک‌ناپذیر می‌دانند. اما نوربرت الیاس[[4]](#footnote-4) جامعه‌شناس آلمانی، در کتاب *روند تمدن* که در بحبوبۀ جنگ جهانی دوم منتشر کرد، آورده است که برای رسیدن به فهمی درست در مسألۀ تکوین روانی فرد و رشد و بلوغ او، باید در ارتباط با بنیادهای تکوین اجتماعی به تفحص و پژوهش پرداخت. الیاس در ادامه به نکتۀ متمایزکننده‌ای اشاره می‌کند:

«در واقع، غربیان با تأکید بر مفهوم تمدن معنایی متأخر و حتی معاصر به آن می‌بخشند. آنچه امروزه در دسترس آنان است، تمدن نام می‌گیرد و از این طریق به آنان این امکان را می‌دهد تا خود را از جامعه‌های دیگر به‌ویژه جامعه‌هایی متمایز کنند که در سطح تحول کنونی تکنیک آنان قرار ندارند». (پهلوان: 26، 1382)

تکنولوژی[[5]](#footnote-5) از ریشۀ یونانی واژه‌هایی به معنای «مهارت» و «گفتگو» گرفته شده است. فن‌شناسی[[6]](#footnote-6) (تکنولوژی)، مطالعۀ منظم ابزار، شیوه‌ها و روش‌هایی است که در شاخه‌های گوناگون فنی به کار رفته‌اند. از نظر لالاند[[7]](#footnote-7)، فن‌شناسی (تکنولوژی) پیش از همه «مطالعۀ شیوه‌های فنی با توجه به بعد کلی آنان و مناسباتشان با توسعۀ تمدن است». (بیرو: 426، 1380)

اما تعریف بعدی از تکنولوژی از دیدگاه انسان‌شناسان است که کلود ریویر[[8]](#footnote-8) در کتاب *درآمدی بر انسان‌شناسی* ارائه کرده است: «فن‌آوری (تکنولوژی) به مجموعۀ فرایندهایی اطلاق می‌شود که جوامع انسانی به‌وسیلۀ آنها بر محیط خود تأثیر می‌گذارند. برای نمونه برگزاری نماز برای طلب باران، نوعی مناسک است و نه یک فن‌آوری، در حالی که تزئین یک شیء یا یک ساختمان براساس ذوق و سلیقۀ خاص یک فرهنگ، نوعی فن‌آوری است. ابزارها، حرکات و دانش عملی در آن واحد، فنی و اجتماعی هستند». (ریویر: 128، 1382)

ریویر در مباحث تکنولوژی عناصر تکمیل‌کننده‌ای را طرح می‌کند که به‌خوبی رابطۀ تکنولوژی و کار مردم‌شناسان را نشان می‌دهد. مردم‌شناسان فنی پرسش‌های گوناگونی طرح می‌کنند. برای مثال، به چه دلیل جامعه‌ای نوعی ویژگی فنی خاص (و نه ویزگی دیگری) را ابداع کرده، آن را از جامعه‌ای دیگر وام گرفته و یا به جامعه‌ای دیگر انتقال داده است؟ چه پنداره‌ها و شناخت‌هایی به‌صورت عینی در پذیرش یا طرد یک فن وجود داشته‌اند؟ چگونه یک فن در مجموعۀ سایر دستاوردهای علمی جای گرفته است؟ «در برابر این پرسش‌ها، نوعی اجماع دربارۀ مسائل کلی زیر وجود دارد:

ــ فنون تنها ابزارهایی برای فعالیت اقتصادی هستند و نه خود این فعالیت‌ها.

ــ هر اندازه فنون انطباق بیشتری با محیط داشته باشند، محدودیت‌های ناشی از محیط کمتر احساس خواهند شد.

ــ روابط فنی مثلاً در مسکن، لباس و تغذیه بیان‌کنندۀ روابط اجتماعی هستند.

ــ کارکرد اجتماعی به‌صورت مرحله به مرحله (ابداع، تثبیت و انتقال) بر توسعۀ فنی اثر می‌گذارد». (همان: 130)

بر همین پایه و اساس بود که تکنولوژی به‌عنوان بخشی از نظریات انسان‌شناسی جای خود را به‌دست آورد تا جایی که در نیمۀ دوم قرن بیستم، زمانی که انسان‌شناسی فرهنگی امریکایی تمامیت این رشته را تحت تأثیر خود قرار داده بود، جایگاه مستحکمی پیدا کرد.

**«نظریه محیط‌شناسی فرهنگی**[[9]](#footnote-9) که نوتطورگرایی[[10]](#footnote-10) و انسان‌شناسی محیط‌شناختی[[11]](#footnote-11) نیز نامیده می‌شود. نظریۀ انسان‌شناسی که بر رابطۀ میان انسان و جوامع انسانی با محیط و تحول این رابطه و تأثیر متقابل آن دلالت دارد». (فکوهی: 215، 1381) «محیط‌شناسی از لحاظ ریشه‌ای به معنای گفتمانی دربارۀ زیستگاه[[12]](#footnote-12) است و باید آن را نه‌تنها به‌عنوان یک ایدئولوژی مدرن، بلکه به‌عنوان مطالعه‌ای علمی بر روابط انسان و جوامع انسانی با محیط طبیعی در نظر گرفت که بر تأثیر عوامل محیط یعنی، اقیلم خاک، آب‌ها، گیاهان، جانوران و...، ارگانیسم انسانی، همچنین چگونگی انطباق فیزیولوژیک انسان با محیط‌های مختلف و دگرگونی‌هایی که فن‌آوری‌های مختلف در محیط ایجاد می‌کنند، و سرانجام بر تأثیر محیط‌های گوناگون بر سطوح و شیوه‌های زندگی انسان مطالعه و پژوهش می‌کند». (ریویر:127، 1382)

اما از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این حوزه که تکنولوژی را مبنای کار خود قرار داد، لسلی وایت[[13]](#footnote-13) است که «بر اساس محور قرار دادن تکنولوژی یک فرهنگ تبیین کرد، به‌گونه‌ای که در نتیجه‌گیری نهایی خود میزان پیشرفت فرهنگ را نسبت مستقیم با پیشرفت تکنولوژیک قرار داد و مؤلفۀ اصلی این پیشرفت را نیز مصرف سرانۀ انرژی دانست و در نتیجه فرمول زیر را پیشنهاد کرد». (فکوهی: 220، 1381)

T E × C = یا فرهنگ = انرژی × تکنولوژی

تکنولوژی در حوزۀ انسان‌شناسی در هنگام ورود به عرصۀ حیات اجتماعی افراد یک جامعه همواره با واژگانی همچون **دگرگونی فرهنگی، تحولات اجتماعی، تطبیق، انعطاف‌پذیری، مقاومت، کشمکش، اشاعه، تکامل، رفتارهای نو، فرهنگ‌پذیری، دامنۀ تغییرات** و... همراه بوده است. هر جامعه، به رسیدن به نقطۀ تعادل میان قواعد اجتماعی ـ فرهنگی و حاصل نوآوری و تکنولوژی‌های نو نیازمند است، تا انحرافات و کشمکش‌های ناشی از دامنۀ تغییرات به انسجام و همبستگی اجتماعی آسیب نرساند و یا بار مقاومت را به درجۀ حداقلی برساند و یا ابهام در عدم پذیرش را برای افراد جامعه مشخص کند. فراگردهای موجود در جامعه بر پذیرش نوآوری تأثیر می‌گذارد. هرچه آگاهی کنشگران از نقش مثبت دگرگونی حاصل از تکنولوژی جدید در زندگی بالا باشد، به رفتارهای شایسته و مناسب آن تکنولوژی منجر می‌شود.

«نوآوری‌ها ممکن است مورد پذیرش بی‌درنگ و پایدار یک گروه اجتماعی قرار گیرند؛ زیرا به آن گروه کمک می‌کنند تا خود را با دگرگونی‌های روزانه در محیط اجتماعی و طبیعی خود تطبیق دهند. ممکن است یک نوآوری به نسبت بی‌اهمیت باقی ماند تا آنکه دگرگونی‌های عمدۀ محیطی آن را به بخش مهمی از مکانیسم تطبیقی یک اجتماع تبدیل سازد». (پلاگ: 720، 1375)

**نتیجه‌گیری**

نتیجه و نکتۀ پایانی این است که گروه‌های یک جامعه همواره بر اساس منافع خود واکنش‌های مثبت و منفی دربارۀ نوآوری و تکنولوژی جدید از خود بروز می‌دهند. الگوهای فرهنگی و سازمان‌های اجتماعی با هم تفاوت بسیار دارند. پویایی فرهنگ نیز این امکان را برای افراد در طول تاریخ ایجاد کرده است که شیوه‌های مرسوم همواره در معرض تغییر و دگرگونی هستند.

**منابع**

1. پلاگ، فرد و بیتس، دانیل (1375)، *انسان‌شناسی فرهنگی*، تهران، علمی، چاپ اول.
2. پهلوان، چنگیز(1382)، *فرهنگ‌شناسی* (گفتارهایی در زمینۀ فرهنگ و تمدن)، تهران، قطره، چاپ دوم.
3. ریویر، کلود (1382)، *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ترجمۀ ناصر فکوهی، تهران، نی، چاپ سوم.
4. فکوهی، ناصر (1381)، *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران، نی، چاپ اول.

**فرم ارزيابي**

تأیید رئیس کارگروه

**نام و نام خانوادگی:** کرکه‌آبادی **تاریخ:** 28/2/1389

ارزیابی کیفی:  ضعیف  متوسط  خوب  خیلی خوب  عالی

ضریب:  1  2/1  3/1

تأیید بخش ماوا

**نام و نام خانوادگی: تاریخ:**

امضا بخش اداری

**نام و نام خانوادگی: تاریخ**:

1. 1. برای نوشتن اطلاعات منبع به فرم راهنما مراجعه نمایید. [↑](#footnote-ref-1)
2. 2. Edward Tylor [↑](#footnote-ref-2)
3. 3. Civilization [↑](#footnote-ref-3)
4. 4. Norbert Elias [↑](#footnote-ref-4)
5. 5. Technology [↑](#footnote-ref-5)
6. 6. با توجه به محتوای واژه در این اثر، مترجم بنا به گفتۀ خویش از این واژه برای ترجمه استفاده کرده است. [↑](#footnote-ref-6)
7. 7. Lalande [↑](#footnote-ref-7)
8. 8. Cloude Riviere [↑](#footnote-ref-8)
9. 9. Cultural ecology [↑](#footnote-ref-9)
10. 10. Neoevolutionism [↑](#footnote-ref-10)
11. 11. Ecological anthropology [↑](#footnote-ref-11)
12. . Oïkos [↑](#footnote-ref-12)
13. . Leslie White [↑](#footnote-ref-13)